

## زایش مهر یا شب چله یا شب یلدا

دورست کاروان سحر ، زین جا

شمعی بیاید این شب " یلدا " را

از یلدای ایرانی تا jul سوئدی

## Celebrate the victory of light

از: دکتر تورج پارسی

**پیمان شکنی ویرانی است ، خدشه در تداوم هستی است ، ضدیت بنیادین با گوهر راستین ، آب را آلوده ساختن و گندم سبز بریدن است**

اگر به دورست تاریخ و فرهنگ ایران زمین بنگریم ، ریشه ی برپایی این جشن کهن سال شناخته می شود . در آن روزگاران که انسان به طبیعت بیش از امروز نزدیک بود و کوه و دشت و بیابان را در می نوردید، در پندار نخستین خود دوگانگی طبیعت را نیک دریافت .

شناخت این دوگانگی او را به این اندیشه رهنمون ساخت که سرچشمه ی خوبی ، دوستی و روشنایی که به او رسایی می بخشد یکی است ، اینچنین بود که روز و روشنایی میدان کار آدمی شدو آدمی بی ترس و تلاوسه با کار کردن خود را ساخته و فرهنگ را بنیان نهاد . چون انسان به یاری روز و روشنایی به شناخت طبیعت دسترسی یافت ، خود را وام دار نور انگاشته ، پس ترها آنرا قلمرو اهورمزدا دانست .

یکی از انقلاب های بنیانی و تعیین کننده که زندگی بشر را دگرگون ساخت کشف آتش بود که استوره های زیادی را پدید آورد- سده - .کشف آتش اجاق زندگی بشر را در راستای تاریخ جاودانگی بخشید . نیاکان ما نیز برای کاهش ناگوار یها به ویژه در شب ها آتش می افروختندتا از سرما ، حمله ی جانوران درنده و .... در امان بمانند . به مصداق آب آبادانی است پیشینیان نیز بر این باور بودند که بافرزان بودن آتش در هر خانه از قلمرو بدی و دد منشی ها کاسته می شود .

### شب چله یا شب یلدا

سی ام آذر ماه کوتاه ترین روز و بلندترین شب سال است به این شب با این ویژگی شب چله یا شب یلدا گفته می شود . از اول دی ماه یا خرم روز تا دهم بهمن که در پندار ایرانی روز کشف آتش توسط هوشنگ پیشدادی است چهل روز است ، این چهل روز را چله یا چله بزرگ گویندسیس چله کوچک آغاز می شود که شامل بیست روز آخر بهمن و بیست روز از ماه اسفندست .

یلدا واژه ایست سریانی (۱) که به معنای زاده شدن است این قلم گمان بر آن داشت که واژه ایل در زبان سوئدی هم از این بن و ریشه باشد .

باور بر اینست که در شب چله یا یلدا که بلندترین و تاریک ترین و شوم ترین شب سال است (۲) نبردی سخت میان روشنایی و تاریکی در می گیرد که سر انجام به شکست تاریکی و زایش دوباره ی نور می انجامد چنانچه درعرصه ی شعر و زبانزد - ضرب المثل - هم میدان می یابد : پایان شب سیه سپیدست

مردمان در این شب کنار آتش گرد آمده به ترانه خوانی و پایکوبی می پرداختند . امروزه نیز در گوشه و کنار ایران زمین مردمان در چنین شبی به دور سفره ای پر از خشک میوه ها و تر میوه هایی چون انار سیب ، خربزه ، هندوانه - انباری - و انگور و در پرتو روشنایی - آتش یا شمع یا نور چراغ -به پایکوبی وشادی می پردازند که البته از حافظ محرم هر راز نیز تفالی گرفته می شود . آیین امیدوارانه ی نشست شبانه ی سی آذرماه یا چله نویدی است از برآمدن روشنایی که با زایش دوباره ی خود نحوست و بد اختری را از میان بردارد . در اینجا به نقل از کتاب جشن ها و آداب رسوم زمستان -(۳) کوتاه شده ای از مراسمی که در این شب در دره میانه ملایر انجام می گرددآورده می شود :

در این روستا دو سه روز پیش از شب چله به خانه تکانی و شستشوی ظرف و وسایل خانه می پردازند تا شب چله که آنرا شب چله ی پاییزا شب چله زری می نامند فرا رسد . در این روز مردمان رخت های نو یا شسته خود را می پوشند، نزدیک های غروب آفتاب کدبانوی هر خانه جامی از آب چشمه پرکرده و در تاقچه ی اتاق می نهد . پس از صرف شام همه ی اهل خانه به دورکرسی که روی آن يك سینی با دویشقاب پر از نقل های رنگارنگ گذاشته شده ، گرد می آیند . ، سپس هر يك از اهل خانه به این باور که تا سال دیگر هم چون شمع روشن بماند شمعی روشن کرده درون سینی جای می دهد . بخش بسیار زیبای این مراسم گزینش دختری است از میان دختران شوی نکرده روستا که پس از گزینش ، زنان با کل زدن و هلهله به همراه نوازندگان محلی این ترانه را می خوانند :

چله زری ، چله زری	امسال وسال دگری
اروس کیه ، اروس کیه	چله زری می باشد
چو ماه تابان رخس	چهره پری می باشد
چشمش چو چشم آهو	چه میگه تاق ابرو
دختر به نام زری	ابروی او يك وری
چله زری ، چله زری جان	عزیزم ماه تابان
مبارك ، مبارك	شب چله مبارك

شوربختانه نت این ترانه توسط گزارش دهنده ضبط نشده است

سپس چله زری را همچون اروس رخت سپید پوشانیده بر تختی که روی پشت بام نهاده شده می نشانند هر خانواده به سهم خود شمعی در کنار تختی که اروس روی آن نشسته است روشن می کند . مردان و زنان با گرمای شمع دستان خود را گرم کرده به صورت می کشند و می خوانند :

زردی من از تو سرخی تو از من ۴

جشن با نقل پاشون بر سر چله زری ادامه می یابد ، چله زری نقل هایی که روی سرو دور برش ریخته ش شده جمع می کند و يك دانه نقل به زن و يك دانه به مرد می دهد ، زن نقلش را به مردش می دهد و مرد نیز نقل را به زنش سپس دو زن چله زری را از روی تخت بلند می کنند، پدر چله زری در جلو و برادرش در پشت سر و مادرش در سمت چپ رو به سوی خانه اش می برند نوازندگان می نوازند و مردم پایکوبان می روند تا به خانه چله زری برسند . در خانه ، پدر اناری به دست چله زری می دهد (۵) چله زری انار دون می کند نخست خود چند دانه می خورد، باور چنین دارند که دخترشوی نکرده اگر يك دانه از این اناربه نیت شوهر کردن بخورد حتما سال آینده به خانه ی بخت خواهد رفت ..

این مراسم در واقع يك جشن نورست که با رقص و پایکوبی و خواندن ترانه ی چله زری نشونه اروس کهکشونه میون گلرخونه

تاوسون او دخووه	زمستون او وتووه	زمستون او وروده
تا ایسیه اوخو کرده	چله زری دکاره	پشت سرش بهاره

ادامه پیدا می کند . شایان یادآوری که در برخی از مناطق ایران زمین همچون باستان مراسم آتش افروزی بر بلندی ها همچون پشت بام و ..... بر گزار می گردد .

### آیین های پیش از مسحیت در سوئد

پیش از مسحیت مردمان اسکاندیناوی جشن ها و آیین های ویژه ای داشتند که کلیه این جشن ها Jul نامیده می شد . واژه Jul در زبان های اسکاندیناوی به مفهوم جشن یا جشن های فصلی است اما در زبان های ژرمنی صرفا به چم جشن فصلی زمستانی است . بنا بر آنچه در سال شماری به نام Runstav آمده است ، در کشور سوئد هم چون سال شمار باستانی خودمان ، سال را دو بخش می کردند :

1- زمستان شش ماهه که از ۱۴ اکتبر یا Calixtus-dagen آغازو روز ۱۳ اپریل به پایان می رسید .

2- تابستان شش ماهه از روز ۱۴ آپریل یا Tiburtius-dagen آغاز می شد و در ۱۳ اکتبر ادامه داشت

در این سال شمار نیز از سه جشن فصلی نام برده شده است .

نخستین جشن Höst blot یا جشن قربانی پاییزی نام دارد که در آغاز زمستان برگزار می شد .

دومین جشن Midvinter blot یا جشن قربانی میانه زمستان که ۱۳ تا ۱۴ ژانویه

برگزار می گشت . در تغییر تقویم ، برگزاری این جشن به ششم ژانویه افتاد . هر دو جشن به نیت پروری فراورده های کشاورزی سالی که در پیش است برگزار می شده است .

سومین جشن vår blot است که يك جشن قربانی بهاری است و به نیت پیروزی وایکینگ ها در آغاز تابستان برگزار می شده است .

در سه جشن از حیوان ها و انسان به عنوان قربانی در پیش خدایانی چون Tor و Freja و Oden

استفاده می شده است . به نوشته ی Snorre Sturtason نویسنده ایسلندی : برگزاری مراسم جشن میانه زمستان به نیت پروری و حاصلخیزی انجام می شده است ۶ . مردمان دبرگزاری این سه آیین فصلی به سلامتی خدایان و دلبران آجو می نوشیدند و واژه ی Skål در زبان سوئدی که معنای نوش یا به سلامتی است یادمان چنان مراسم و آیینی است ۷ .

در هزاره ی دوم میلادی آیین مسیحیت در سوئد رواج می یابد و از همان گاه مبارزه میان مسیحیت و آیین های ریشه دار مردم آغاز می گردد . در این نبرد مسیحیت به تدریج پیروزی می گردد، ولی نمی تواند بر آیین های ملی تاثیر زیادی بگذارد در نتیجه همان شیوه ای را که با میتراپیسم بکار گرفته بود بکار می برد یعنی بخش عمده ای از آیین های ملی سوئد را در خود جا می دهد . بدین ترتیب مراسمی که امروز به عنوان آغاز سال مسیحی برگزار می شود در واقع یادمان آیین های گذشته ۸ و سخت کوشی های انسان این سامان است که به زبانی سپاس از پروری سالی که گذشت و سالی که در پیش است ، سپاس به پروری کشت ، شکار ، ماهی گیری ، خوراک و نوشیدنی هاست . پروفیسور G.Nikander با شگفتی از جان سختی آیین های پیش از مسیحیت سوئد یاد می کند که چگونه همچنان در متن مسیحیت به عمر خود ادامه می دهند ۹

شایان یاد آوری است که پیش از آیین زرتشت هم در همه ی جشن ها پس از فروزان ساختن آتش مراسم قربانی انجام می شد و چهار پایان اسب ، گاو ، گوسفند و ... را با فریاد شادی به پای خدایان پنداری قربانی می کردند که بهره ای به آتش و مانده ها را به نیازمندان می دادند . اما زرتشت از انجام قربانی به دللی چند جلوگیری کرد :

1- شناخت و مهری که در آیین مزدیسنا به هستی هست ، همان مهری که ستوران پرورده ، جانوران زمینی ، جانوران آبی ، خزندگان ، پرندگان چرندگان را به عنوان بخشی از هستی زیر پوشش خود قرار می دهد .

گواه بر این گفته ستایش و اعتباری است که در فروردین پشت کرده ۲۲ بند ۴۷ آمده است :

روان های ستوران پرورده را می ستاییم

روان های جانوران زمینی را می ستاییم

روان جانوران آبی را می ستاییم

روان های خزندگان را می ستاییم

روان های پرندگان را می ستاییم

روان های پرندگان را می ستاییم

فروشی همه ی این جانوران را می ستاییم

دراهنودگات هات ۲۲ بند ۱۲ می گوید نفرین تو ای مزدا به کسانی باد که گاو را با فریاد شادمانی قربانی می کنند .

2- آیین قربانی با اقتصاد نو پای کشاورزی همسانی نداشت بلکه زیانی بود کلی به این معنا که قربانی کردن هر اسب ، گاو ، گوسپندو ... در واقع نابود کردن نیرو و ابزار کار بود که پی آمدش قحط سالی های جبران ناپذیر و ایجاد تنگناها در روند اقتصادی می شد .

### ماه دسامبر

واژه دسامبر در زبان لاتین به چم دهمین است به همین دلیل در سال شمار پیشین مارس آغاز سال بود و دسامبر دهمین ماه سال به شمار می رفت . ماه دسامبر به سبب سه ویژگی بهترین ماه سال به شمار می آمده :

1- ماه برداشت فراورده های کشاورزی بوده

2 - ماه نزدیک شدن به آیین بزرگداشت و قربانی برای خدای خورشید

3 - ریزش برف در ماه دسامبر نشانه ای است از پربالی سالی که در پیش داشتند

در تغییر سال شمار دسامبر بر خلاف معنایش دوازدهمین ماه سال شد و ویژه گی تازه ای یافت بدین معنا که : بلندترین و تاریکترین شب سال یعنی زایش مهررادبرگرفت

. نزد رومی ها که پیرو آیین میترا بودند وحتا بخشی از میترایسم را در اروپا و شمال آفریقا انتشار دادند ۲۱ دسامبر به عنوان زاد روز میترای شکست ناپذیر

### Natalis invictus یا Solen födelsedag

یا روز فزاینده گی نور Ljuset tilltager جشن گرفته می شد در سده چهارم میلادی در اثر اشتباهی که در شمارش کیسه پیش آمد زاد روز مهر به بیست و پنجم دسامبرانتقال یافت . مسحیت برای خنثی کردن نفوذمیترایسم زادروز مسیح را پس از سی سد سال که در ششم ژانویه برگزار می شد به روز بیست و پنجم دسامبر پس کشاند . در اینجا نیاز به یادآوری است که بر خلاف گفته ی شاعر ی که گفته است :

به صاحب دولتی پیوند، اگر نامی همی جویی که از پیوند با عیسی چنان معروف شد یلدا

یلدا یا شب چله پیش از مسیح آوازه ی جهانی داشته و این مسحیت بود که از آوازه یلدا بهره ها ببرد .

### شب اول زمستان یا آیین روستایی در سوئد

#### sed Bonde

در سوئد تا سال ۱۷۵۳ میلادی به مناسبت شب اول زمستان - ۲۱ دسامبربرابر با ۳۰ آذرماه - که بلندترین شب سال بشمار می آید ، مراسمی برگزار می گردید پس از تغییر تقویم ژولیانی به گریگوری این مراسم به سیزدهم دسامبر انتقال یافت و این شب را درازترین شب سال برشمردند . بنا بر باور مردمان در چنین شبی حتا حیوانات خانگی زبان باز کرده و از درازی شب شکایت می کنند مثلا در Värmland گاو از درازی شب می نالید و قوچ پاسخ می داد : چه بلند شبی گوویی دو شب را به هم دوخته اند .۱۰ .

بدانگونه که در پندار ایرانیان این بلندترین و تاریک ترین شب سال به غایت شوم و نحس و نامبارک می باشد ۱۱ ، سوئدی ها هم نخستین شب زمستان را بداختر و شوم دانسته اند ، در پندار سوئدیها در این شب شوم که درازترین و تاریک ترین شب سال است روح های شیطانی آزادند تا بتوانند گناهکاران را گول بزنند . به همین دلیل برای در امان ماندن از هر گونه آسیبی همه ی درها و پنجره ها و حتا راه لوله بخاری را می بستند ۱۲ . از سوی دیگر از خانه بیرون نمی آمدند ، با هیچ گاری یا آسیبی به جایی نمی رفتند تا شومی این شب دامن گیرشان نشود ، اگر هم کسی چنین بی احتیاطی می کرد بابا نویل شومی چنین شبی را هشدار می داد که :

### امشب شب لوسیاست آهسته بران !!

.man fick vara försktig Lussenaten var fylld av oro och

häst och vagen kom tomten Ingen hjul gå kring . Akta man

ibland och var

۱۳sakta Dä ä lussenatt i natt, far

از لوسی Lussi تا لوجیا lucia یالوسیا

آنچه امروز به نام جشن لوسیا در کشورهای کاتولیک مذهب برگزار می شود یادگاری است از دوشیزه سیراکوس اهل سیسیل که در ۲۰۴ میلادی به شهادت رسید . اما لوسی پیش از مسحیت پرنده ای دزد و جادوگر بود که پیکری نیم خدایی و نیم انسانی داشت . مردمان از او با بیم و احترام سخن می گفتند چرا که می خواستند همانند روح شرور آب Näken از آزارش در امان بمانند . لوسی شب ، تاریکترین و دلهره آورترین شب سال بود . با همه ی دلهره ای که مردمان از جادوی لوسی داشتند او از یاران Freja ایزد حاصلخیزی بشمار می آمد و از دید کرداری همانند وی . ارابه لوسی راگره ای که به Lussekatte شهرت دارد ، می کشید که در مراسم لوسیا امروزه به شکل نان شیرینی جلوه گری می کند . بدین ترتیب در می یابیم که لوسیای جدید ریشه در آیین های پیشین اسکاندینا دارد . ۱۴

مهاجران آلمانی ساکن Västergötland نخستین بار در سال ۱۸۰۰ میلادی جشن لوسیا را در سوئد برپا کردند ، پس از ۱۹۰۰ میلادی این جشن در سراسر سوئد رواج پیدا کرد و از آیین روستایی یا Bondesed فاصله گرفت . از ۱۹۲۷ در روزنامه های استکهلم مسابقه گزینش لوسیای زیبای سال آغاز شد که به گفته ی christer toplius هر سال در سیزده دسامبر تماشاگر جشن نور و زیبایی آن هستیم ۱۵ . در روز لوسیا و شب آن دختری زیبا رو در پوشش اروس با پیراهن سپید و کمر بند سرخ و تاجی با پنج شمع روشن با همراهان اروس وار خود به دیدار همگان می رود تا آنان را در جشن نور و شادی شریک سازد یا به گفته ی فروغ به آفتاب سلامی دوباره داده شود . از دیگر مراسم شب لوسیا انجام يك گونه بخت بینی است در این زمینه نمونه ای هست که در آن دختری نیت کرده و شعری می خواند تا در خواب از سرنوشت زناشویی آینده خود با خبر شود ۱۷ ;

Lucia den blida

Ska låta mej veta

Vems säng jag ska breda

Vems barn jag ska bära

vara Vems käraste jag ska

uti och vems famn jag ska sova

لوسیای نجیب می خواهم بدانم

رختخواب چه کسی را خواهم گسترده ؟

فرزند چه کسی را حمل خواهم کرد؟

دلیند چه کسی خواهم شد؟

و در آغوش چه کسی خواهم خفت ؟

Lucia یا قطار لوسیا tåget

در ۱۳ دسامبر مراسم ویژه ی لوسیا در سرتاسر سوئد برگزار می شود . در مدرسه ها، بیمارستان ها ، کلیسا ها و ... دختری که به این مناسبت برگزیده می شود با رختی همچون رخت سپید اروسان و نوار سرخی به دور کمر در حالی که تاجی مزین به چهار شمع روشن بر سر دارد آرام آرام حرکت می کند و همراهان او که پسر و دختر هستند و Stjärngossar نامیده می شوند با شمع هایی

روشن در حالی که آهنگ santa lucia را می خوانند پشت سر او حرکت می کنند . از لوسیا خواسته می شود که زمستان تاریک و سرد سوئد را با نور زنده و جاری خود روشن کند . معمولاً مراسم میان ساعت دو تا سه بعداز ظهر که هوا همچون شب تاریک است سامان بخشیده می شود .

**نوشیدنی و شیرینی روز لوسیا**

Lussekatte

Glögg

شیرینی ویژه ی چنین روزی Lussekatte است که با آرد ، کره ، شکر ، مایه خمیر زعفران ، زنجبیل ، کمی نمک و کشمش درست می شود . پس از آماده شدن با برس

زده تخم مرغ روی آن می کشند رنگ زعفرانی یا طلایی این شیرینی در واقع نشانواره ی خورشید و روشنایی است که باید تاریکی را بترساند تا از اینجا رخت بریند . شایان نگرش است که از قرن هیژده زعفران به سوئد وارد می شود و به واسطه ی گرانی آن فقط اشراف می توانستند به آن دسترسی بیابند . نخست فقط برای شیرینی لوسیا به کار برده می شد وگرنه جنبه دارویی داشت .

26 سال پیش که به سوئد آمدیم مهمان سویدی ما برای خوردن پلو زعفران مردد بود وقتی که گفته شد از زعفران در آن استفاد شده است و دلیل ایشان هم این بود که زعفران جنبه ی دارویی دارد ..

اما نوشیدنی

نوشیدنی این روز **Glögg** است که از آب سیب ، شکر ، وانیل ، زنجبیل ، میخک و پوست رنده شده لیمو، شراب سفید ، درست می شودوکشمش و بادام با آن صرف میگردد .

**Glögg** یا **Glögetvin** که در قرن نوزدهم به نام **Gluhwein** نامدار بود در ورزش های زمستانی اتریش و سوئیس مصرف می شد . البته امروزه در سوئد هم کمی به میزان الکل آن افزوده شده است .

### هدیه ی سال نو یا Julklapp

واژه **Klapp** هم به معنای نوازش و هم به چم ضربه به در زدن آمده است . پیش از مسحیت در سوئد رسم بر این بود که پسران و دختران جوان به در خانه ها رفته ضربه ای به در نواخته و پس از باز شدن در هدیه ای به درون خانه پرتاب کرده و می گریختند . البته برخی اوقات شیطنتی کرده و به جای هدیه چوب یا سنگی به درون خانه پرتاب می کردند . تحت تاثیر آیین مهری که از طریق روم در اروپا رواج پیدا کرد ه و به سوئد هم آمد معمولا در روز زایش خورشید شکست ناپذیر ، مردمان به همدیگر میوه ، گل ، خوراکی پیشکش می کردند . رومی ها دوست داشتند در این روز بزرگ به همدیگر سکه هدیه بدهند ۱۷

دکتر بهرام فروشی در کتاب جهان فروری رویه ۱۱۸ چاپ دانشگاه تهران گزارش می کند که :

در روستاهای خراسان معمولا در این شب خانواده پسری که با دختر نامزد شده است برای دختر هدیه می فرستد و رسم هدیه فرستادن برای دختر در آذربایجان نیز معمول است و رابطه ی این جشن را با زایش و تولد به خوبی آشکار می سازد . در آذربایجان در شب چله خانواده دختری که به شوی رفته است برای دختر هدیه می فرستد و در شهر خوی بازار پشمک رواج دارد و این گویا به مناسبت شباهت آن به برف است . در بهار همدان هر کس نامزد داشته باشد باید شب چله ای بفرستد . شب چله ای باید یک قواره پارچه یا یک قواره پیراهنی یا چادری باشد که با شب چله ای می فرستند . ۱۸.

در مقایسه ی مراسم شب چله ی ایرانی و آیین روستایی سوید همگونی هایی چند به چشم می خورد از جمله :

هر دو مراسم در شب اول زمستان برگزار می شوند

در هر دو مورد شب اول زمستان درازترین شب اول سال به حساب آورده شده است

در هر دو مورد شب اول زمستان شوم دانسته شده است

در هر دو مورد در چنین شبی فال گرفته شده است

در هر دو مورد هدیه دادن وجود داشته است

در یک جمع بندی چنین می توان نتیجه گرفت که جشن نور و روشنایی در هر کجا و به هرگونه که برگزار گردد از ریشه ی مشترک و کهن آن حکایت می کند

مهر ایزدی که به اندازه ملیت ما کهن است ه

شب چله شب زاد روز مهر ایزد مشترک هندیان و ایرانیان است . این ایزد روز شانزدهم هرماه و ماه هفتم سال به نام اوست . از ویژگی های مهر نگرهانی از پیمان است . پیمان و ارج و نگهداشت آن در واقع در گرو راستی است . اگر آدمی در گزینش راستی یا دروج ، دروج را برگزیده باشد چگونه می توان از اوی کژ کردار و دروج گفتار انتظار داشت که پایبند به پیمان باشد . کسی می تواند به این اصل وفادار باشد که گوهر راستین را برگزیده باشد . اعتبار و احترام به نفس پیمان ، امری است در

قلمرو نیک پنداران . اینانند که حتما نباید پیمانی را که با یک دروغ پرست بسته اند ، بگسلند . چرا که پیمان به نفس خود از اعتباری همه سو برخوردارست . همه سو نگری گامی است فراسوی کمال که در خور خردوران نیکجوست . گزینش گوهر راستین ، جان و جسم را به پاکی و خرد آراستن است و در پی آن مسئولیتی بس بزرگ به گردن گرفتن که از آن گریزی نیست . برای دریافت این همه سو نگری و بزرگ اندیشی بار دیگر بند دوم مهر پشت را مرور می کنیم . آنجا که اهورا مزدا می گوید :

ای سپیتمان ،

مبادا پیمان بشکنی

نه پیمانی را که با یک دروغ پرست بسته ای

نه پیمانی را که با یک راستی پرست بسته ای

چه هر دو پیمان است ، خواه با دروغ پرست ، خواه با راستی پرست ۱۹ .

مهر مترادف است با پیمان ، اگر مهر را عینی تر کرده و پوششی زمینی به آن بدهیم تداوم هستی و گسترش نیکی محض را در آن جلوه گر خواهیم یافت .

مهر جلوه ای است از پیمان انسان با انسان ، پیمان انسان با محیط اجتماعی و طبیعی در یک ژرف نگری انسان به مثابه مهر ، پرچمدار و نگهبان هستی خواهد بود . البته انسانی که گوهر راستین را برگزیده باشد .

بنا برآنچه آمد پایبندی به پیمان آن چنان اصل مسلم و آشکاری است که مترادف می شود با آبادی و پیمان شکنی با ویرانی و ظلمت هم کفه می گردد ؛

ای سپیتمان

### **پیمان شکن نابکار سراسر کشور را ویران می سازد ۲۰**

پیمان شکنی ویرانی است ، خدشه در تداوم هستی است ، ضدیت بنیادین با گوهر راستین ، آب را آلوده ساختن و گندم سبز بریدن است ، پیمان شکنی در معنای عام گناه است . این معنا را در راستای فرهنگ و ادب ایران زمین پیگیر می شویم :

خداوند شاهنامه گوید

چو پیمان شکن باشی و تیز مغز      نیاید ز دست تو یک کار نغز

سعدی شیراز گوید

در ازل بود که پیمان محبت بستند      نشکند مرد اگرش سر برود پیمان را

حافظ همیشه معاصر نه تنها پیمان شکنی نمی کند بلکه بنابه سپارش پیر پیمانه کشش حتما از مصاحبت با پیمان شکنان نیز پرهیز می کند

پیر پیمان شکن من که روانش خوش باد

گفت پرهیز کن از صحبت پیمان شکنان

شاعر دلسوخته ی دشتستان فایز گوید

رخ تو دلبرا مانند ماهه      رخ من از غمت چون برگ کاهه

به فایز عهد یاری بسته بودی      مگر نه عهد بشکستن گناهه ۲۱

در میتراپیسم حلقه نشان پیمان و اتحاد و وابستگی است . چون پیمانی بسته می شود حلقه ای رد و بدل می شد . نشان حلقه از ایران به اروپا رفت و کم کم نشنواره ی پیمان زناشویی شد . ۲۲

**سرچشمه ها :**

1- برهان قاطع واژه یلدا

2- همان

3 - انجوی شیرازی جشن و آداب زمستان جلد ۲ ، رویه ۱۵۳ ، انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۴

4- همانندی دارد با آیین چهارشنبه سوری

5- انار در سفر نوروز نشانه ی برکت و اناهیتا است بنابر آبان پشت کرده ی یکم بند ۲

زهدان همه را برای زایش آماده کند . .... : از تو باید دوشیزگان کوشا و شایسته ی شوهرسرو و خانه خدایی دلیر خواهند . از تو باید دوشیزگان جوان به هنگام زایمان زایش خوب یابند . کرده بیست و یکم بند ۸۷

-6 -Så firades julen , Bert Olls , ۱۰p ,Bokförlag ۱۹۸۴

-7 -Så firade ,p ۱۲

-8 -Så firade p ۱۶

-9 -Så firade p ۱۱

-10 -Ebb Shön julen förr i tiden p ۲۲

-11 -برهان فاطم وازه یلدا

-12 -Så firade p ۲۶

-13 -Julenförr p ۲۹

-14 -Så firade p ۳۶

-15 -En års runda , helgerVo , högtider och gamla bemerkedagar

-16 -julen p ۲۲

-17 -Så firade p ۵۱

-18 - جشن ها و .... ۱۵۶

-19 -اوستا مهر یشت ۲۵۳ کرده یکم بند ۲ ، جلیل دوستخواه جلد یک انتشارات مرارید ۱۳۷۰

-20 - همان

-21 - ترانه های فایز به کوشش عبدالمجید زنگویی چاپ سوم انتشارات ققنوس ۱۳۶۷

-22 - هاشم رضی ، آیین مهر رویه ۳۹۲ ، انتشارات بهجت ۱۳۷۱

Västergötland منطقه غربی سوئد است که شامل استان های Göteborgslän , bohus, Skaraborglän, älvsborglän می شود

**پیروزی نور بر تاریکی بر همه ی انسان ها**

شاد و پیروز باد ایدون بادا